

آیا نهاد مرجعیت می‌تواند حکم مهدورالدم بودن دونالد ترامپ را صادر نماید؟

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین وحیدی / بخش اول

نهاد مرجعیت در فقه شیعه جایگاهی بی‌بدیل دارد که حفظ آن، تضمین بقای دین و ایمان است. در شرایط کنونی، تهدیدات مستقیم علیه ولی‌فقیه و مرجعیت، نیازمند واکنشی فقهی و دقیق است. در گفت‌وگوی خبرگزاری حوزه با حجت‌الاسلام والمسلمین وحیدی، کارشناس فقه و اصول و استاد سطوح عالی حوزه علمیه، به بررسی «ظرفیت فقه شیعه در صدور حکم مهدورالدم بودن برای تهدیدکنندگان نهاد مرجعیت» پرداخته شده و راهکارهای عملی مقابله با این تهدیدات روشن شده است. نقش همگرایی مراجع و صدور فتوای جمعی، محور اصلی این تحلیل گفتمانی است.



ه ضمن عرض خیرمقدم و تشکر از حضور حضرت‌عالی در رسانه حوزه، لطفاً مفهوم و ماهیت فقهی حکم مهدورالدم بودن فرد در فقه شیعه را توضیح دهید و اهمیت آن را بیان کنید؟

● بحث درباره «مهدورالدم بودن»، یکی از مسائل مسلم و پذیرفته‌شده در فقه شیعه است و در دین مبین اسلام نیز به رسمیت شناخته شده است.

این مسأله، در حقیقت، یکی از ابزارهای الهی برای ایجاد رعب و هراس در دل دشمنان و مخالفان دین به‌شمار می‌آید.

حکم به مهدورالدم بودن در فقه اسلامی ظرفیت ویژه‌ای برای مقابله با جبهه کفر، نفاق و معاندان دین دارد و از سوی خداوند متعال در چارچوب مقررات و شرایط خاص خود به آن تصریح شده است.

قرآن کریم نیز در آیات متعددی به این مسأله اشاره کرده است؛ آن هم به‌صورت کلی و عمومی. به این معنا که هر مؤمنی در هر نقطه و شرایطی که بتواند، اجازه دارد چنین حکمی را اجرا کند.

فلسفه مهدورالدم بودن و تهدید حیات‌تهدیدکنندگان اسلام

تعبیر صریح قرآن در این‌باره، جمله «فَاَقْتُلُوهُمْ حَتَّىٰ تَقُتِّلُوهُمْ» است که دلالت بر بی‌ارزش‌بودن جان دشمنان دین و مشروعبت سلب حیات از آنها در شرایط معین دارد.

این حکم، گرچه در محدوده و سازوکار مشخصی در فقه اسلامی تعریف شده است؛ اما اصل مسأله و کلیت آن، به‌عنوان ابزاری مهم و تأکید شده در آیات الهی، جایگاه برجسته‌ای دارد.

نکته قابل توجه در این زمینه آن است که دشمنان اسلام به‌دلیل نداشتن ارتباط قلبی و حقیقی با خداوند متعال، از مقوله مرگ و نیستی، بیش از هر چیزی هراس دارند.

قرآن در این زمینه می‌فرماید: «لَتَجِدَنَّهُمْ اخْرَضَ النَّاسِ عَلٰی خِيَاةٍ» یعنی آنان را حریص‌ترین مردم بر زندگی خواهید یافت. این افراد به‌شدت دل‌بسته دنیا و بقای حیات مادی خود هستند و مرگ را به هیچ‌وجه برنمی‌تابند.

به‌ویژه درباره یهودیان، قرآن بارها این معنا را تکرار کرده و فرموده است که اگر واقعاً مدعی دوستی خداوند هستند، چرا از مرگ گریزانند؟ چرا طلب مرگ نمی‌کنند؟ اسلام نیز از همین نقطه‌ضعف دشمن بهره‌گرفته و با صدور حکم عمومی اعدام در موارد خاص و معین، سعی در ایجاد رعب در دل آنان دارد؛ تا به‌واسطه ترس از مرگ، از انجام بسیاری از فسادها و

اقدامات ضددینی خودداری کنند.

در حقیقت، این حکم الهی، نه از سر خشونت بی‌ضابطه، بلکه یک اقدام مهربانانه برای جلوگیری از گسترش فساد در جامعه و پیشگیری از بدبختی بیشتر خود آنان و دیگران است. در چنین چارچوبی، اسلام از حکم مهدورالدم بودن بهره برده است.

نمونه عینی این مسأله را می‌توان در حکم صادرشده درباره سلمان رشدی مشاهده کرد که از سوی امام خمینی ^(ره) صادر شد.

دیدگاه فقه شیعه در مهدورالدم بودن شخص

در فقه شیعه، مصادیق مشخص و معینی برای حکم مهدورالدم بودن وجود دارد.

از جمله در زمینه جنایات جنگی که در برخی روایات از امیرالمؤمنین علی ^(ع) نقل شده، ایشان درباره برخی از افراد در جنگ جمل، حتی پس از صدور حکم وجوب قتل‌شان، می‌فرمودند که این افراد نه قابل توبه‌اند و نه شایسته بخشش.

برخی از افراد، یکی دو نفر از اصحاب حضرت، از ایشان درباره امکان عفو این اشخاص پرسیدند که حضرت صریحاً فرمودند: این حکم قابل بخشش نیست. همچنین، در سیره پیامبر اکرم ^(ص) نیز نقل شده که درباره برخی اشخاص، حکم مهدورالدم بودن را صادر فرمودند و اجازه هیچ‌گونه گفت‌وگو، چانه‌زنی و تخفیفی درباره آن حکم نمی‌دادند.

این رویکرد به‌ویژه در مورد کسانی که علناً، رسانه‌ای و گسترده تهدید می‌کردند، به دین و نهاد ولایت جسارت می‌نمودند، گناهان فراگیر داشتند و حرمت‌ها را می‌شکستند، مورد توجه قرار داشت.

در چنین مواردی، حکم صادرشده، حکمی غیرقابل نقض و تخفیف بود. در روزگار کنونی نیز همین ظرفیت در فقه شیعه وجود دارد که می‌توان از آن بهره برد. اگر بخواهیم مجاهده فقهی فقهای اسلام را در حفظ دین معنا کنیم، دقیقاً باید در چنین مواردی نقشی برای فقیه در خط مقدم جبهه مقابله با ابلیس و سپاهیان شیطان تعریف کنیم.

حذف و نابودی محوریت شیعه در مانیفست صهیونیست‌ها

شایسته است، علما و فقهای ما در شرایط فعلی، با بررسی‌های لازم در این باب تصمیم‌گیری کنند و صرفاً به صدور بیانه‌های عمومی اکتفا نشود؛ چراکه گشودن این باب، اگر با سستی و بی‌مبالائی همراه گردد، بسیار خطرناک خواهد بود.

نکته قابل توجه در این زمینه آن است که طبق اسناد و گزارش‌های موجود، در مانیفست چهار ماده‌ای اخیر که از سوی صهیونیست‌ها ارائه شده، در ماده سوم به‌صراحت مسأله «حذف محوریت شیعه» را مطرح کرده‌اند.

آنان به این نتیجه رسیده‌اند که وجود مرجعیت شیعه و پرچم‌داری این نهاد ریشه‌دار، می‌تواند موجودیت آنها را به خطر بیندازد و هستی‌شان را تهدید کند. به‌همین دلیل در این طرح اخیر، به‌طور رسمی و آشکار بر حذف و نابودی محوریت شیعه تأکید شده است.

در چنین شرایطی، موضوع صرفاً مخالفت با یک شخصیت حقیقی یا وابستگی عاطفی و ارادت به یک فرد نیست؛ بلکه مسأله به نهاد مرجعیت و محوریت عالم ربانی در شیعه برمی‌گردد که در روایات ما به‌عنوان «حجة‌الحجة» یاد شده است.

البته انتقاد علمی به یک روایت یا یک فقیه محترم، در جای خود امری علمی و پذیرفتنی است و تفاوت ماهوی با دشمنی و ضدیت با محوریت مرجحیت و نهاد ولایت دار. اما اگر کسی بخواهد در صدد ضدیت و مخالفت در جهت حذف با این محوریت برآید، این مسأله قطعاً مصداق محاربه، افساد و مخالفت با امام معصوم ^(ع) خواهد بود و مطابق عناوین مختلف فقهی می‌توان حکم مهدورالدم بودن را در حق او جاری دانست.

ه **مسأله مهدورالدم بودن در خصوص کسی که ولی‌فقیه را تهدید می‌کند، مصداق کدام‌یک از عناوین محارب، مفسد فی‌الارض یا عنوان دیگری است؟**

● از جهات متعدد می‌توان برای چنین شخصی که در شرایط فعلی این تهدید را محقق ساخته و دست به چنین کارهایی زده، فتوای مهدورالدم بودن صادر کرد.

من تأکید می‌کنم بر «فتوا»؛ نکته مهم و ظرفیتی اینجا وجود دارد. اگر تصور شود این مسأله، صرفاً قضاوت و حکم قضایی است، ما ناچار به ورود در سازوکارهای حقوق بین‌الملل و محدودیت‌های آن خواهیم شد و این تلقی صحیحی از ماجرا نیست.

همان خطایی که در قضیه حکم حضرت امام خمینی ^(ره) درباره سلمان رشدی رخ داد. عده‌ای گمان کردند، این حکم، قضاوت است؛ درحالی‌که موضوع، قضاوت قضایی و حکم دادگاه صالحه نبود و آنچه امام فرمودند، «فتوا» بود.

در فتوای فقهی، سخن از اخبار حکم شرعی دین است. فقیه، وقتی فتوا می‌دهد که فلان مسأله واجب است یا فلان عمل حرام است؛ درواقع استنباط و برداشت خود از منابع دین را اعلام می‌کند و آن را به جامعه مؤمنان می‌رساند.

بنابراین، ما باید جهان را با ظرفیت فتوا در فقه شیعه آشنا کنیم. اینکه بدانند در مکتب ما، غیراز رسیدگی در دادگاه‌های قضایی و در کنار آن، نهاد مستقلی به‌نام فتوا وجود دارد که این سازوکار می‌تواند فقهی‌مانند میرزا شیرازی ^(ره) را به این نتیجه برساند که فلان معاهده بین‌المللی، در حکم محاربه با امام زمان ^(عج) است.

محاربه با امام معصوم ^(ع) یعنی بزرگ‌ترین جنایتی که یک فرد می‌تواند مرتکب شود؛ زیرا امام، نماینده و ولی خدا و حجت الهی روی زمین است و محاربه با امام یعنی محاربه با خدا. فقیه به استفاده از همین ظرفیت، می‌تواند یک معاهده بین‌المللی را در بالاترین سطح به چالش بکشد و منقضی بداند.

ه **آیا جنایات نتانیاهاو و ترامپ مصداق محاربه است یا افساد فی‌الارض؟**

● در زمان ما و در شرایط فعلی، درمواجهه با این مسأله معاصر، دقیقاً با همین مقوله مواجه هستیم. فردی که در قتل فرماندهان ما دست داشته و به‌اعتراف و اقرار خود، در این اقدامات مشارکت داشته است؛



ما باید جهان را با ظرفیت فتوا در فقه شیعه آشنا کنیم. اینکه بدانند در مکتب ما غیراز رسیدگی در دادگاه‌های قضایی و در کنار آن، نهاد مستقلی به‌نام فتوا وجود دارد که این سازوکار می‌تواند فقهی‌مانند میرزا شیرازی ^(ره) را به این نتیجه برساند که فلان معاهده بین‌المللی، در حکم محاربه با امام زمان ^(عج) است. محاربه با امام معصوم ^(ع) یعنی بزرگ‌ترین جنایتی که یک فرد می‌تواند مرتکب شود؛ زیرا امام، نماینده و ولی خدا و حجت الهی روی زمین است و محاربه با امام یعنی محاربه با خدا. فقیه با استفاده از همین ظرفیت می‌تواند یک معاهده بین‌المللی را در بالاترین سطح به چالش بکشد و منقضی بداند.

کردن این فتوا وجود داشته باشد. به‌همین دلیل، ما پیشنهادهایی در این زمینه داریم؛ مثلاً می‌توان این حکم را به‌صورت مشروط و معلق بر تحقق برخی شرایط صادر کرد.

یعنی اگر تلاش جدی برای عملی‌ساختن این تهدید صورت گرفت، در آن‌صورت فقیه به‌عنوان مرجع تقلید، حکم به مهدورالدم بودن او را اعلام و اجرا می‌کند. این حکم بر همه مسلمین جهان، اعم از شیعه و سنی، لازم‌الاجرا خواهد بود؛ چنان‌که مرحوم امام ^(ره) نیز در حکم سلمان رشدی، فرمودند فقط بر شیعیان؛ بلکه بر هر مسلمانی واجب دانستند.

جالب اینجاست که برخی از کسانی که برای نابودی سلمان رشدی تلاش کردند، اصلاً شیعه نبودند؛ اما چون فتوا، فتوایی جهان‌گیر و مطبوع فطرت انسانی و مطابق با حکم صریح قرآن بود، اثر خود را در عالم گذاشت.

چقدر خوب شد که سلمان رشدی به مرگ طبیعی نمرد. خدای متعال او را زنده نگه داشته تا این زندگی فلاکت‌بار و ذلت‌بارش، نمود و شعاری نباشد برای عبرت دیگران تا هر از گاهی به او حمله شود و هر بار زخمی بخورد و تا آخر عمرش بداند که مرجعیت شیعه چه قدرت و نفوذی دارد.

مرجعیت شیعه، فقهای امامیه، مراجع تقلید در مسائل شخصی و منافع فردی هیچ‌گاه حساس نیستند و دغدغه آبروی خود را ندارند. آنان عدالت و تقوای‌شان بر ما مسلم است و اگر لازم باشد، از آبروی‌شان هم می‌گذرند تا دین خدا و مرزهای عقیده و ایمان حفظ شود؛ یعنی ما چنین انسان‌های بزرگی داریم.

تهدید فقه‌ا و نهاد مرجعیت، یعنی تهدید اسلام و دیانت جامعه

امروز اگر نقطه‌ای برای دفاع از مرزهای اسلام باشد، دقیقاً همین‌جاست. نباید اجازه داد که کسی جرأت جسارت و تهدید به نهاد مرجعیت شیعه و محوریت دین را داشته باشد.

دین ناب، در مکتب اهل‌بیت ^(عج) معنا می‌شود و به فرموده خود حضرت حجت روحی و ارواحنا فداه: «فی الحوادث الواقعة فارجعوا الی رواة حدیثنا»؛ یعنی در رخدادهای مهم و حساس، راهی جز رجوع به فقهای شیعه نیست. زدن فقهای شیعه و نهاد مرجعیت شیعه، یعنی زدن شیعه و دین اسلام و نابودی ریشه‌های دیانت در جامعه.

اگر جایی هست که باید خود را فدای دین کرد و جان و مال و آبرو را در راه خدا داد، همین‌جاست. اگر جایی هست که در خط مقدم دشمن را زمین‌گیر کرد، همین‌جاست. اگر نقطه دیگری مؤثرتر از این نقطه بود، فقهای ما قطعاً آن‌جا حاضر می‌شدند.

تاریخ گواه است که مراجع تقلید، در مسائل شخصی کمترین دغدغه را داشته‌اند. آنان همواره اولویت‌شان، دین خدا و حفظ مرزهای ایمان بوده است.

به‌صراحت عرض می‌کنم، دفع ماده فساد در اینجا، از هر واجب شرعی دیگر، حتی از نهی از منکر هم واجب‌تر و مقدم‌تر است.

ه **چطور می‌شود این مطالبه را از مراجع برای اعلام مهدورالدم بودن شخصی که نهاد مرجعیت و ولی‌فقیه را تهدید می‌کند، آغاز کرده و در بین مراجع شیعه در جای‌جای کشورهای اسلامی این مسأله را مطالبه کرد؟**

● واقعاً مطالبه‌گری از پایین و از سمت طلاب و بدنه حوزه اهمیت بسیار زیادی دارد.

اگر ما بتوانیم این مسأله را به گوش بزرگان و مراجع محترم برسانیم و درباره آثار و پیامدهای مثبت آن گفت‌وگو کنیم، می‌توانیم نتیجه بزرگی بگیریم. واقعاً باید درباره تأثیر این کار صحبت کرد؛ اینکه صدور چنین فتوایی می‌تواند در سطح جهان یک زلزله رسانه‌ای و اجتماعی ایجاد کند.

شما خودتان کار رسانه‌ای کرده‌اید و می‌دانید، اگر مجموعه‌ای از فقهای شیعه در کنار هم، در نهایت دقت و رعایت ملاحظات رسانه‌ای و اجتماعی، درک صحیحی از سوءبرداشت‌ها و سوءتفاهم‌هایی که ممکن است، به وجود بیاید داشته باشند، باز هم می‌توانند تصمیمی تاریخی بگیرند.

مرحوم امام خمینی ^(ره) هم در زمان خود، با وجود تمام این ملاحظات، پای حکم اعدام سلمان رشدی ایستادند.

تهمت‌های فراوانی هم به ایشان زدند. هزینه‌های زیادی هم برای این مسأله پرداخت شد. رسانه‌های غربی، حجم بی‌سابقه‌ای از اتهام‌زنی و تبلیغات منفی به راه انداختند و ما هم در آن مقطع کم‌هزینه ندادیم. اتهام تروریسم و برجسب‌های سیاسی را فراوان شنیدیم.

باید دنیا را با ظرفیت و قدرت فقه شیعه آشنا کرد. باید به آن‌ها بفهمانیم که همان‌طور که خودشان قواعد و خطوط قرمزی دارند و بر آن حساسند و اجازه تخطی از آن را به کسی نمی‌دهند، ما هم در اسلام، به‌ویژه در مکتب اهل‌بیت ^(عج)، خطوط قرمز خدشه‌ناپذیر و ضوابط قطعی داریم و هیچ‌کس اجازه ندارد، به آن نزدیک شود.

اگر کسی چنین جسارتی کند، ما برای دفاع از این مرزها، از آبرو، از جان و از همه چیزمان می‌گذریم.

در اینجا خوب است مجدداً بر آن روایت شریف از امام حسن عسکری ^(ع) تأکید کنیم که فرمودند: «عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَاطِبُونَ فِي الْغُرِّ الَّذِي يَلِي أِبْلِيسَ وَغَفَارَتُهُ»؛ یعنی فقهای شیعه، مرزداران حقیقی دین‌اند؛ همان‌هایی که در خط مقدمی ایستاده‌اند که در آن سوی مرز، خود ابلیس و لشکرش مستقر شده‌اند. این مرزبانی امروز، پادافند معنوی و علمی جهان اسلام است و خط مقدم آن فقهای شیعه هستند.

شما الان می‌بینید این تهدیدها که متوجه نهاد مرجعیت و ولایت فقیه است، کاملاً برنامه‌ریزی شده و هدفمند است؛ برنامه‌ای برای تضعیف جایگاه مرجعیت و دورکردن مردم از این نهاد اصیل.

وقتی که دشمن چنین نقشه و برنامه‌ای دارد، ما هم باید در همان خط مقدم و در همان جبهه بایستیم. هر کس در جایی وظیفه دارد. همان‌طور که آن جوان در صنایع موشکی و آن مرزبان در پدافند نظامی از مرزهای کشور مراقبت می‌کند، فقیه نیز می‌تواند در قالب کار علمی و فتوا، نقش تعیین‌کننده و ضربه‌زننده خود را ایفا کند.

ادامه دارد...